

شیطان در گمین

پند بزرگان برای رویارویی با شیطان

به کوشش: فرزاد روحی

آیت الله مصباح یزدی^۱

ما که راه حق را شناخته ایم و در بین ادیان و مذاهب، صحیح ترین آن ها را انتخاب کرده ایم، شیطان دشمنی بیشتری با ما دارد و نیروهایش را صرف می کند تا منحرفمان سازد. پس باید توجه داشته باشیم که دچار لغزش نشویم و در مبارزه با شیطان کاملاً حواسمان را جمع کنیم. به هدایت فعلی خودمان هم نباید مغرور باشیم؛ زیرا از عاقبت کار خود خبر نداریم. باید نسبت به آینده بیمناک باشیم چون شیطان تمام نیروهایش را برای گمراه ساختن ما صرف خواهد کرد. امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «شیطان در این عالم فریبکاری، دام های خود را گسترده است. از این کار هم هیچ مقصودی ندارد جز آن که دوستان ما را به دام بیندازد.» به عبارت دیگر: هدف اصلی شیطان به



دام انداختن دوستان اهل بیت (علیهم السلام) است. شاید ابتدا تصورمان این باشد که ما نماز و روزه و وظایفی مانند آن را ترک نمی کنیم، پس همه واجبات را انجام می دهیم. این همان دام شیطان است؛ زیرا بسیاری از تکالیف مورد غفلت ما است. حتی آنان که به طور دائم با فقه، آیات قرآن و سخنان اهل بیت سروکار دارند نیز از بسیاری واجبات غفلت می کنند. نیکی به والدین، صلوات برآورده کردن حاجت مؤمنی که اظهار حاجت کرده و بسیاری موارد دیگر، همه از واجباتی است که ممکن است گاهی تا سال ها ما به فکر انجام برخی از آن ها نباشیم.

از دیگر دام های شیطانی، باز داشتن انسان از خواندن نماز اول وقت است. آن چه انسان را مستقیماً در مسیر تقرب الی الله به پیش می برد نماز است. نماز، رابطه مستقیم بنده با خالق است. وقتی انسان اهتمامی به خواندن نماز اول وقت نداشته باشد، نسبت به دیگر مسائل دین، نیز بی اعتنا می شود و کم کم کارش

به جایی می رسد که با دیده تمسخر به مناسک دینی می نگرد.

شیطان هنگامی بر انسان مسلط می شود که انسان از خدا غافل شود، اما کسی که هر آن، خود را میان زمین و آسمان معلق می بیند و هر لحظه خطر سقوط را کنار گوش خود احساس می کند و می بیند که پناهی جز خدا و دستگیری جز او نیست، چنین انسانی از خدا غافل نخواهد شد.





شیطان چرا هست؟

(با استفاده از گفتار علامه محمدتقی جعفری)^۳

حکمت آفرینش یک موجود پلید که مردم را به

گمراهی بکشاند چیست؟

خدا هیچ موجودی را که ذاتاً پلید باشد نیافریده است. حتی شیطان امکان رشد معنوی داشته است به همین دلیل قبل از خلقت آدم سال‌ها مشغول عبادت بوده، اما مثل همه موجوداتی که دارای اختیار هستند حق انتخاب داشت و او سرکشی از امر خدا را انتخاب کرد و تباہ شد.

(البته وجود شیطان برای کسانی که اراده خود را به دست او بدهند مضر است اما برای آن‌هایی که با او مبارزه می‌کنند خیر است چون آن‌ها را با این مبارزه ورزیده‌تر می‌سازد و وجود شیطان باعث می‌شود شاگرد زرنگ‌ها بهتر شناخته شوند و رقابت برای خوب بودن شدیدتر شود.)

چرا خداوند شیطان گمراه‌کننده را بر انسان مسلط ساخته است؟

شیطان تسلطی بر انسان ندارد. شیطان تنها بر اساس استعدادهای و غرایزی که در انسان هست او را وسوسه می‌کند تا دستورات خدا را زیر پا بگذارد اما خداوند در کنار این غرایز به انسان قدرت‌هایی مثل عقل را داده که وسوسه‌ها را بفهمد و به شیطان نه بگوید؛ به عبارت دیگر نه تنها به شیطان قدرت تسلط نداده بلکه انسان را مجهز هم ساخته البته این که از تجهیز آتش استفاده کند یا مرعوب و اسیر قدرت شیطان شود به دست خود اوست.

حکمت این که به شیطان چنین عمر طولانی داده شده است چیست؟

از برخی روایات چنین برمی‌آید که خدا در ازای سال‌ها عبادتی که شیطان داشته است این درخواست او (مهلت و عمر طولانی) را رد نکرد. اگرچه این مهلت اصلاً به نفع شیطان نبود و بر بار گناه و عذاب آخرت او اضافه می‌کرد اما روی دیگر سکه این است که با این مهلت در حقیقت به همه انسان‌ها فرصت داده شد تا خود را در برابر این دشمن قسم‌خورده بیازمایند و هر کسی نشان می‌دهد که چه قدر می‌تواند در برابر او مقاومت کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مشکات؛ پنجاهای امام صادق به رهجویان صادق، صص ۳۷، ۳۴، ۱۰۴، ۱۰۵.
۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۱، صص ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۱۰.
۳. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، محمدتقی جعفری، ج ۵، ص ۲۰۳.

آیت‌الله جوادی آملی^۲

شیطان لول به عنوان دستیار کمک می‌کند و پیشنهاد می‌دهد؛ یعنی زشت را زیبا و زیبا را زشت جلوه می‌دهد و وقتی انسان را اسیر کرد فرمان می‌دهد و آن گاه انسان، دانسته و از روی عمد گناه می‌کند یعنی می‌داند این کار بد است اما چون به دام شیطان افتاده و مبتلا شده است آن را انجام می‌دهد؛ بنابراین در مقابل شیطان باید با تمام نیرو صف‌آرایی کرد و در این مصاف، خدا، وحی، فرشتگان و عقل، ناصر و یاریگر انسان هستند در این صورت یعنی با کمک و نصرت خدا و لولایی او اگر انسان بیازد جای تعجب است.

کسی نمی‌تواند بگوید من با اخلاق (و مبارزه با شیطان) کاری ندارم. اگر شما با شیطان کار نداشته باشید او با شما کار دارد و طولی نمی‌کشد که شما را می‌رباید و تصاحب می‌کند نمی‌توانید بگویید من به همان ایمان سنتی اکتفا می‌کنم و به مسائل علمی اسلامی نیازی ندارم زیرا گرچه شما با شبهات کاری ندارید ولی آن‌ها با شما کار دارند و شما چه بخواهید و چه نخواهید در درونتان سوالاتی پدید می‌آید و اگر قدرت علمی نداشته باشید شبهات شما را جنب می‌کند و آگاهانه یا ناآگاهانه بر اساس آن‌ها می‌اندیشید.

شیطان سه کمین گاه دارد؛ اول در عبادات، در کمین است تا

انسان را از تعبد خارج سازد تا انسان اعمالش را به میل

خودش انجام بدهد نه بر اساس وحی، دوم در تعقل

و اندیشیدن. او کاری می‌کند تا انسان در هنگام

آوردن دلیل و استدلال به دام مغالطه (استدلال

ناقص) بیفتد سوم در شهود و دیدن یعنی انسان

واقعیت را آن‌طور که هست نبیند یا آن را انکار کند؛

البته ترتیب این مراحل به عکس است یعنی اولین

هدف شیطان، کور کردن چشم دل اوست و بعد که کورش

ساخت سراغ عقلش می‌رود تا در محاسبات دچار اشتباهش کند و

بعد که موفق شد در عبادت او نفوذ می‌کند که یا اصلاً عبادت نکند

یا از روی ربا عبادت کند.

شیطان هر چیزی را وارونه نشان می‌دهد و در همه امور به انسان

دروغ می‌گوید و رهایی و بی‌بندوباری پلید را به نام آزادی پاک،

تلقین می‌کند ولی در همین پیام هم دروغ می‌گوید زیرا مخفیانه

می‌خواهد انسان را نه آزاد که بنده خودش قرار بدهد همان‌طور که

برخی بندگی او را پذیرفته‌اند.

